

The Impact of Audience Analysis on Methods of Religious Propagation in the Medinan Verses: A Case Study of the First Juz' of the Holy Qur'an

Marziyeh Tavakoli ¹, Mohammad Jamalleddin Khoshkhazeh ²

1. M.A. in Qur'anic Sciences and Hadith, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran, m391096@yahoo.com

2. Assistant Professor, Department of Qur'anic Sciences and Hadith, Faculty of Islamic Sciences and Research, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran (Corresponding Author), khoshkhazeh@isr.ikiu.ac.ir

Research Article

Abstract



Audience analysis, as one of the fundamental principles of religious propagation, plays a decisive role in the effectiveness of a message and the realization of its guiding objectives. An educational message can achieve its desired outcome only when it is accompanied by a proper understanding of the audience's level of comprehension, spiritual needs, cultural circumstances, and social position. The Holy Qur'an, as the central text of Islam, provides a prominent example of a purposeful and audience-oriented system of religious propagation, in which the diversity of audiences has shaped the diversity of both expressive and substantive approaches. Employing a descriptive-analytical method and focusing on the Medinan verses of the first Juz' of the Holy Qur'an, the present study seeks to demonstrate how the social and religious structure of the Medinan community and the various types of audiences played a role in determining the style of address, types of argumentation, and content of legal rulings. The findings demonstrate that, in the Medinan verses, Qur'anic addresses are structured according to a precise typology of audiences. In addressing believers and new Muslims, the Qur'an adopts an educational, motivational, and legislative approach. While strengthening doctrinal principles such as belief in the unseen and the Hereafter, it also sets forth a body of devotional, ethical, and social rulings for organizing their individual and collective lives. This approach enables the nascent Islamic community not only to consolidate its inner beliefs but also to attain structural cohesion and a coherent social identity. In contrast, the hypocrites are presented through an expository yet indirect approach. Rather than focusing on identifying individuals, the Holy Qur'an delineates the behavioral and intellectual characteristics of hypocrisy, including the discrepancy between speech and conduct, false claims of reform, and mockery of believers. This educational approach enhances the level of social awareness and makes the community more resilient against the hidden and gradual infiltration of hypocrisy, without leading to an escalation of overt tensions. In dealing with polytheists and deniers, an argumentative and disputational method becomes prominent. On the one hand, by presenting the Qur'anic challenge (tahaddi) and inviting them to pro-

Received: 2026-06-16 | Received in revised form: 2026-06-30 | Accepted: 2026-08-15 | Published online: 2026-06-22

◆ **How to cite:** Tavakoli, Marziyeh, Khosh Khazeh, Mohammad Jamalleddin(1405SH): The Impact of Audience Analysis on Methods of Religious Propagation in the Medinan Verses: A Case Study of the First Juz' of the Holy Qur'an , Quran and social sciences, 2(22), p152-187, [10.22034/arq.2025.252002](https://doi.org/10.22034/arq.2025.252002)

duce a Sūrah comparable to it, the Qur'an puts its own divine authority to the test; on the other hand, by responding to doubts and explaining the wisdom behind certain rulings, it creates a space for rational dialogue. This approach demonstrates that, in confronting a denial-oriented mindset, persuasion and argumentation occupy a central position. In dialogue with the People of the Book, the Qur'an adopts an approach based on recalling divine blessings, reminding them of previous covenants, criticizing the distortion and concealment of truth, and revisiting the history of the Children of Israel. While emphasizing shared monotheistic principles, this method adopts a reform-oriented approach and creates the possibility for doctrinal interaction. Furthermore, in the multi-tribal and multi-religious environment of Medina, Qur'anic teachings emphasize principles such as fulfillment of covenants, economic justice, refraining from consuming wealth wrongfully, and strengthening social solidarity, demonstrating the close connection between religious guidance and social organization. Audience analysis in the Medinan verses of the Holy Qur'an is a fundamental factor in determining the type of address, the intensity of warning or glad tidings, the method of argumentation, and the content of legislative rulings. The diversity of the Qur'an's approaches to religious propagation indicates that divine guidance is structured according to the actual requirements of its audiences and provides a comprehensive, dynamic, and effective model for religious propagation in diverse and complex societies.

Keywords: Medinan verses; Audience analysis; Religious propagation; Methods of religious propagation; Sociology of Medina; First Juz' of the Qur'an

تأثیر مخاطب‌شناسی بر شیوه‌های تبلیغ در آیات مدنی؛ مطالعه موردی جزء اول قرآن کریم

مرضیه توکلی^۱، محمد جمال الدین خوش خاضع^۲

۱. کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه بین المللی امام خمینی، قزوین، ایران، m391096@yahoo.com

۲. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده علوم و تحقیقات اسلامی، دانشگاه بین المللی امام خمینی، قزوین، ایران (نویسنده مسئول)
khoshkhazeh@isr.ikiu.ac.ir

پژوهشی



چکیده

مخاطب‌شناسی به عنوان یکی از اصول بنیادین در فرایند تبلیغ دینی، نقشی تعیین کننده در میزان اثرگذاری پیام و تحقق اهداف هدایتی ایفا می کند. هر پیام تربیتی زمانی می تواند به نتیجه مطلوب دست یابد که با درک صحیح از سطح ادراک، نیازهای روحی، شرایط فرهنگی و موقعیت اجتماعی مخاطبان همراه باشد. قرآن کریم، به مثابه متن محوری دین اسلام، نمونه ای برجسته از نظام تبلیغی هدفمند و مخاطب محور را ارائه می دهد که در آن، تنوع شیوه های بیانی و محتوایی بر اساس تنوع مخاطبان شکل گرفته است. پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی و با تمرکز بر آیات مدنی جزء نخست قرآن کریم، در پی آن است که نشان دهد چگونه ساختار اجتماعی و اعتقادی جامعه مدینه و گونه های مختلف مخاطبان، در تعیین سبک خطاب، نوع استدلال و محتوای احکام نقش آفرین بوده است. یافته های پژوهش نشان می دهد که در آیات مدنی، خطابات قرآنی بر اساس گونه شناسی دقیق مخاطبان سامان یافته است. در قبال مؤمنان و تازه مسلمانان، قرآن از رویکردی تربیتی، انگیزشی و تشریعی بهره می گیرد؛ به این معنا که ضمن تقویت اصول اعتقادی همچون ایمان به غیب و معاد، مجموعه ای از احکام عبادی، اخلاقی و اجتماعی را برای سازمان دهی زندگی فردی و جمعی آنان بیان می کند. این شیوه سبب می شود که جامعه نوپای اسلامی علاوه بر تحکیم باورهای درونی، از انسجام ساختاری و هویت اجتماعی منسجم نیز برخوردار گردد. در مقابل، منافقان با رویکردی افشاگرانه اما غیرمستقیم معرفی می شوند. قرآن کریم به جای تمرکز بر معرفی اشخاص، به ترسیم ویژگی های رفتاری و فکری نفاق می پردازد؛ از جمله دوگانگی در گفتار و کردار، ادعای اصلاح طلبی کاذب و تمسخر مؤمنان. این شیوه آموزشی موجب ارتقای سطح بصیرت اجتماعی شده و جامعه را در برابر نفوذ پنهان و تدریجی نفاق مقاوم می سازد، بی آنکه به تشدید تنش های آشکار بینجامد. در مواجهه با مشرکان و منکران، روش استدلالی و جدلی برجسته می شود. قرآن از یک سو با طرح تحدی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۵/۰۳/۲۶ | تاریخ اصلاح: ۱۴۰۵/۰۴/۰۹ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۵/۲۴ | تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۵/۰۴/۰۱

◆ **استناد به این مقاله:** توکلی، مرضیه؛ خوش خاضع، محمد جمال الدین (۱۴۰۵): (تأثیر مخاطب‌شناسی بر شیوه‌های تبلیغ در آیات مدنی؛ مطالعه موردی جزء اول قرآن کریم)، قرآن و علوم اجتماعی، ۲(۲۲)، ۱۵۲-۱۸۷، 10.22034/arq.2026.252002

و دعوت به آوردن سوره‌ای همانند خود، اعتبار وحیانی خویش را به چالش می‌گذارد و از سوی دیگر، با پاسخ‌گویی به شبهات و تبیین حکمت برخی احکام، فضای گفت‌وگوی منطقی را فراهم می‌سازد. این رویکرد نشان می‌دهد که در برابر ذهنیت انکاری، اقناع و استدلال جایگاهی محوری دارد. در گفت‌وگو با اهل کتاب نیز قرآن شیوه‌ای مبتنی بر یادآوری نعمت‌های الهی، تذکر پیمان‌های پیشین، نقد تحریف و کتمان حقیقت و بازخوانی تاریخ بنی‌اسرائیل اتخاذ می‌کند. این روش ضمن تأکید بر مشترکات توحیدی، رویکردی اصلاح‌گرایانه دارد و امکان تعامل اعتقادی را فراهم می‌سازد. افزون بر این، در فضای چندقبیله‌ای و چنددینی مدینه، آموزه‌های قرآنی بر اصولی همچون وفای به عهد، عدالت اقتصادی، پرهیز از خوردن مال باطل و تقویت همبستگی اجتماعی تأکید می‌کنند که بیانگر پیوند وثیق میان هدایت دینی و سامان اجتماعی است. مخاطب‌شناسی در آیات مدنی قرآن کریم، عاملی بنیادین در تعیین نوع خطاب، شدت انذار یا بشارت، شیوه استدلال و محتوای تشریع احکام است. تنوع رویکردهای تبلیغی قرآن حاکی از آن است که هدایت الهی بر اساس اقتضائات واقعی مخاطبان سامان یافته و الگویی جامع، پویا و کارآمد برای تبلیغ دینی در جوامع متنوع و پیچیده ارائه می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: آیات مدنی، مخاطب‌شناسی، تبلیغ، شیوه‌های تبلیغی، جامعه‌شناسی مدینه، جزء اول قرآن.

۱. مقدمه و بیان مسئله

در آموزه‌های دینی، تبلیغ امری بسیار مهم به‌شمار می‌رود تا آنجا که قرآن کریم مهم‌ترین رسالت انبیا را ابلاغ و رساندن پیام الهی دانسته است (مائده: ۶۷)؛ از این رو می‌توان گفت که اساس رسالت پیامبران بر انتقال صحیح و مؤثر پیام الهی به انسان‌ها استوار بوده و همین امر جایگاه تبلیغ را در نظام معارف دینی روشن می‌سازد.

مهم‌ترین رکن تبلیغ دین پس از اسلام‌شناسی، مخاطب‌شناسی است؛ زیرا اگر هدف اصلی تبلیغ، برانگیختن مخاطب برای تغییر در دانش، نگرش و رفتار باشد، بی‌تردید شناخت مخاطب، اساس موفقیت است. از این منظر، مبلّغ تنها با تسلط بر معارف دینی به نتیجه مطلوب دست نمی‌یابد، بلکه باید ویژگی‌های مخاطبان خود را نیز به‌خوبی بشناسد. پیام در صورتی مؤثر خواهد بود که زبان آن برای مخاطب قابل‌درک باشد؛ چراکه هر قوم با ویژگی‌های فرهنگی و رفتاری خاص خود زندگی می‌کند و آشنایی مبلّغ با فرهنگ و اصطلاحات جامعه، انتقال مؤثر پیام را ممکن می‌سازد (سید محسنی، ۱۳۸۱: ۶۷).

در همین راستا، متون دینی نیز بر به‌کارگیری شیوه‌های متناسب با مخاطبان مختلف تأکید کرده‌اند. بر پایه آیه ۱۲۵ سوره نحل، مبلّغان برای موفقیت باید به شیوه‌های گوناگون مجهز باشند و خواص را با حکمت و استدلال، عوام را با موعظه نیکو و مخالفان را با جدال احسن دعوت کنند. این تنوع روش‌ها نشان می‌دهد که شناخت سطح فهم و ظرفیت مخاطبان در فرآیند تبلیغ اهمیت اساسی دارد. در مخاطب‌شناسی میزان فهم، درک و ظرفیت افراد بررسی می‌شود؛ زیرا بدون شناخت استعدادها و زمینه‌های ذهنی مخاطب، برنامه‌ریزی دقیق ممکن نیست (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۵: ۱۸۳).

این اصل در سیره و گفتار پیامبر اسلام (ص) نیز مورد تأکید قرار گرفته است؛ چنان‌که آن حضرت فرمودند: «ما انبیاء مأموریم با مردم به اندازه عقل و درکشان سخن بگوییم» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۱: ۲۳). این سخن نشان می‌دهد که

هماهنگی پیام با سطح درک مخاطب، از اصول بنیادین ارتباط مؤثر در تبلیغ دینی به‌شمار می‌آید.

برای فهم دقیق‌تر این موضوع، ابتدا باید مفهوم تبلیغ روشن شود. تبلیغ در مفهوم کلی عبارت است از رساندن پیام به دیگری از طریق ارتباط برای ایجاد دگرگونی در بینش و رفتار که بر سه عنصر پیام‌دهنده، پیام‌گیرنده و محتوای پیام مبتنی است (رهبر، ۱۳۷۰: ۸۰). بر همین اساس، برخی پژوهشگران تبلیغ را مجموعه‌ای از روش‌های هماهنگ برای بسیج نیروهای اجتماعی و فردی از طریق نفوذ در افکار و احساسات به‌منظور دستیابی به اهداف سیاسی، فرهنگی، نظامی یا مذهبی دانسته‌اند (زورق، ۱۳۹۰: ۸۰). از زاویه‌ای دیگر، تبلیغ کوششی تعمّدی و هدفمند برای شکل دادن به ادراک و همسو کردن رفتار مخاطب با نیت مبلّغ تلقی می‌شود (سید محسنی، ۱۳۸۱: ۶۵).

با توجه به این تعاریف، روشن می‌شود که تبلیغ صرفاً انتقال اطلاعات نیست، بلکه فرآیندی هدفمند برای اثرگذاری بر مخاطب است. از همین رو، در روزگار کنونی که رسانه‌های مختلف به ابزارهای گسترده تأثیرگذاری بر افکار عمومی تبدیل شده‌اند، اهمیت تبلیغ دینی دوچندان شده است. در روزگار کنونی، با گسترش تبلیغات دشمنان برای تضعیف اسلام از راه رسانه‌ها، ضرورت تبلیغ دین بیش‌ازپیش احساس می‌شود (صالحی رزوه، ۱۳۹۵: ۳).

از سوی دیگر، در علوم اجتماعی نیز مسئله مخاطب‌شناسی موردتوجه قرار گرفته است. در جامعه‌شناسی، مخاطب‌شناسی بررسی مخاطب در بستر اجتماعی و فرهنگی است؛ یعنی شناخت اینکه چگونه ساختارها و ارزش‌های جمعی، رفتار ارتباطی را شکل می‌دهند (بورديو، ۱۳۸۱: ۱۲). این نگاه نشان می‌دهد که مخاطب تنها یک فرد منفرد نیست، بلکه تحت تأثیر زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی خاصی قرار دارد که در شیوه دریافت پیام نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا می‌کند.

بر این اساس، مبلّغ برای دستیابی به اهداف دینی باید ظرفیت فکری و روحی و استعدادهای طبیعی و اکتسابی مخاطبان خود را بشناسد و براساس آن، محتوا را در

قالبی منطقی و اثربخش ارائه کند؛ زیرا نوع تبلیغی که برای گروهی مفید است ممکن است برای گروهی دیگر بی‌نتیجه یا زیان‌بار باشد (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۵: ۱۸۳)؛ بنابراین می‌توان گفت که موفقیت در تبلیغ دینی، افزون بر آگاهی از معارف اسلامی، درگرو شناخت دقیق مخاطبان و انتخاب شیوه‌های متناسب با ویژگی‌های آنان است.

این پژوهش تأثیر مخاطب‌شناسی بر نزول آیات مدنی قرآن کریم در جزء اول قرآن را بررسی می‌کند که متعلق به دوره مدینه است. جامعه مدینه چند قومی و چند دینی بود و هر گروه با جایگاه خاص خود نسبت به پیام‌های قرآن مواضعی متفاوت داشت. مؤمنان، منافقان، کافران و اهل کتاب هر یک ویژگی‌های روانی و رفتاری خاصی داشتند که بر دریافت و واکنش آنان نسبت به آیات اثر می‌گذاشت؛ بنابراین تقسیم‌بندی مخاطبان بر اساس این گروه‌ها، امکان تحلیل دقیق‌تر مفهوم آیات را فراهم می‌کند. به‌علاوه آیات مدنی غالباً به مسائل حقوقی، اجتماعی، سیاسی و روابط بین‌گروهی می‌پردازند و درک صحیح آن‌ها نیازمند شناخت دقیق گروه‌های مخاطب است. در این پژوهش، تک‌تک آیات جزء اول قرآن کریم بر اساس مکان نزول، سبب نزول منقول، گزارش‌های تاریخی و مخاطبان بررسی شده و نتایج آن مبتنی بر موضوع پژوهش، در دسته‌بندی مؤمنان و تازه‌مسلمانان، مشرکان، منافقان، اهل کتاب و روابط میان قبایل مدینه ارائه شده است. در ادامه، تأثیر مخاطب‌شناسی بر نزول هر دسته از آیات تبیین شده است.

۲. پیشینه پژوهش

الگوهای تبلیغی قرآن کریم همواره مورد توجه پژوهشگران بوده است؛ اما بررسی شیوه‌های تبلیغی قرآن در مواجهه با چالش‌های اجتماعی، اقتصادی و اعتقادی مخاطبان عصر جاهلیت کمتر انجام شده است. این مقاله با هدف جبران این خلأ و شناسایی روش‌های کارآمد تبلیغی قرآن، به تحلیل برنامه‌های تبلیغی قرآن در مدینه می‌پردازد. در مطالعات پیشین، همایی در مقاله «روش‌های تبلیغ

ادیان الهی» به بیان روش‌های تبلیغی چون حکمت، موعظه حسنه و جدال احسن پرداخته است. نیز هنرمند جهرمی (۱۳۹۷) در پایان‌نامه «روش‌های اثرگذاری بر مخاطب از دیدگاه تفسیر نور قرآن» به شناسایی و دسته‌بندی شیوه‌های اثرگذاری بر مخاطب پرداخته و ابزارهایی مانند داستان‌گویی، جدال احسن و تمثیل را برای انتقال مؤثر پیام معرفی می‌کند. همچنین شاه‌چراغی (۱۳۹۰) در مقاله «مخاطب‌شناسی در تبلیغ» بر اهمیت شناخت مخاطب، اصول صحیح مخاطب‌شناسی و تفاوت‌های انسان‌ها تأکید کرده و ایجاد ارتباط مؤثر با مخاطب را ضروری می‌داند. این پژوهش‌ها یا به صورت کلی به موضوع تبلیغ دینی پرداخته‌اند و یا وجهه همت آن‌ها بررسی مخاطب‌شناسی بوده است؛ اما هیچ‌یک مانند مقاله حاضر، به صورت جزئی و قرآن‌محور به تبیین تأثیر مخاطب‌شناسی مردم مدینه بر روش‌های تبلیغی قرآن در جزء اول نپرداخته‌اند.

۳. تأثیر مخاطب‌شناسی بر شیوه آموزش مفاهیم دینی و تشریع احکام برای مؤمنان و تازه‌مسلمانان

در مکه، محور اصلی دعوت پیامبر (ص) تبلیغ توحید و تثبیت اصول بنیادین اعتقادی بود؛ اما با هجرت به مدینه و شکل‌گیری جامعه اسلامی، شرایط اجتماعی، تنظیم روابط اجتماعی و تشریع قوانین عبادی و مدنی را ضروری ساخت؛ ازاین‌رو آیات مدنی، متناسب با جامعه‌ای که بخش مهمی از آن را مسلمانان و تازه‌مسلمانان تشکیل می‌دادند، به بیان تدریجی احکام و سامان‌دهی امور فردی و اجتماعی پرداختند.

الف) ترغیب مؤمنان با تقوا به عبادت و مسئولیت اجتماعی

در آیه «ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ» (بقره: ۲)، شیوه تبلیغی قرآن با توجه به مخاطب مدنی، بر یقین به حقانیت کتاب الهی و هدایت ویژه پرهیزکاران تأکید می‌کند؛ هدایت قرآن زمانی مؤثر است که زمینه پذیرش و

سلامت فطرت در مخاطب وجود داشته باشد (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ۱: ۴۳) تعبیر «الکتاب» در فضای مدنی که نگارش و حفظ آیات اهمیت بیشتری یافته بود، نشان‌دهنده تثبیت متن وحی در جامعه اسلامی و گذار از مرحله دعوت ابتدایی به مرحله نهادینه‌سازی معارف است. انتخاب عنوان «المتقین» نیز دلالت دارد که قرآن در این مرحله با جامعه‌ای مواجه است که اصل ایمان را پذیرفته و اکنون برای تعمیق تقوا و التزام عملی به آموزه‌های دینی مورد خطاب قرار می‌گیرد. در ادامه، قرآن با توصیف متقین در آیه «الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ» (بقره: ۳)، ویژگی‌های آنان را در سه محور ایمان، عبادت و مسئولیت اجتماعی تبیین می‌کند. ایمان به غیب، شامل ایمان به خداوند، فرشتگان، وحی و قیامت است. اقامه نماز به معنای برپاداشتن صحیح و مستمر این فریضه همراه با شرایط و آداب آن است (طبرسی، ۱۳۷۲، ۱: ۱۲۰-۱۲۱) همچنین انفاق از آنچه خداوند روزی کرده است، پیوند ایمان با تعهد اجتماعی و توجه به نیازهای جامعه را نشان می‌دهد. چنین ترکیبی از مؤلفه‌های ایمانی و اجتماعی بیانگر آن است که در جامعه مدنی، مخاطبان قرآن تنها به پذیرش اعتقادی دعوت نمی‌شوند، بلکه با توجه به فرایند شکل‌گیری امت اسلامی، به مشارکت فعال در عبادت جمعی و حمایت اقتصادی از جامعه نیز فراخوانده می‌شوند.

ب) بشارت به بهشت و تقویت انگیزه عمل صالح

در راستای تثبیت رفتارهای دینی، قرآن در آیه «وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ... وَلَهُمْ فِيهَا أَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ وَهُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» (بقره: ۲۵) بر پیوند ناگسستنی ایمان و عمل صالح تأکید می‌ورزد. ذکر عمل صالح در کنار ایمان، نشان‌دهنده آن است که ایمان حقیقی همواره با کنش‌های اخلاقی و رفتاری همراه است (صادقی تهرانی، ۱۴۰۶ق، ۱: ۲۴۷) ترسیم نعمت‌های بهشتی با بیانی محسوس، ابزاری تربیتی برای تقویت انگیزه مخاطبان مدنی است که در مرحله نهادینه‌سازی رفتار دینی، به محرک‌های روانی برای

استمرار عمل صالح نیاز داشتند.

علاوه بر این، در بستر جامعه کثرت گرای مدینه، آیه «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالنَّصَارَى وَالصَّابِئِينَ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ...» (بقره: ۶۲) معیار رستگاری را تبیین می‌کند. ملاک نجات در این آیه، ایمان خالص به خداوند و روز جزا در کنار عمل صالح است و انتساب ظاهری به ادیان بدون تحقق این مؤلفه‌ها، راهگشا نخواهد بود. (طبری، ۱۴۱۲ق، ۱: ۲۵۴) طرح این اصل در میان پیروان ادیان مختلف، نشان‌دهنده مخاطب‌شناسی قرآن و تأکید بر معیارهای همگانی برای هم‌زیستی ایمانی و پرهیز از تعصبات دینی است.

ج) دستور اجرای احکام عبادی در جهت انتظام بخشی به جامعه اسلامی

استقرار مسلمانان در مدینه و تشکیل حکومت، با صدور دستورهای برای اجرای احکام همراه بود. در این میان، تأکید قرآن بر اقامه نماز، به‌ویژه در قالب جماعت و پرداخت زکات، جایگاه بنیادین این دو فریضه را در حیات دینی و هویت اجتماعی جامعه مدنی نشان می‌دهد. چنان‌که در آیات ۴۳ و ۱۱۰ سوره بقره آمده است: «وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَارْكَعُوا مَعَ الرَّاٰكِعِينَ» و «وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَمَا تُقَدِّمُوا لِأَنفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ». تکرار این فرمان‌ها در آیات مدنی نشان می‌دهد که استمرار و نهادینه‌سازی آن‌ها در ساختار اجتماعی مدنظر بوده است. دستور به همراهی با نمازگزاران نیز افزون بر ارزش معنوی، کارکردی هویت‌بخش دارد و بر تقویت روح جمعی و وحدت صفوف در جامعه نوپای مدینه دلالت می‌کند. «اقامه نماز» نماد نظم و استمرار در عمل عبادی و «پرداخت زکات» ابزاری برای کاهش نابرابری‌های اقتصادی و تحقق عدالت اجتماعی است؛ ازاین‌رو، این احکام پیوند ابعاد فردی و اجتماعی دین را آشکار می‌سازند. این رویکرد مخاطب‌محور در آیات مدنی، فراتر از توصیه‌های فردی، درصدد ظرفیت‌سازی برای امت‌سازی و تثبیت ساختارهای دینی است.

۴. تأثیر مخاطب‌شناسی بر شیوه اتمام حجت و پاسخ به شبهات اعتقادی مشرکان

در فضای مدینه، بخشی از چالش‌های اعتقادی متوجه شبهات و اتهاماتی بود که مشرکان درباره منشأ وحی مطرح می‌کردند. قرآن کریم با شناخت دقیق شیوه‌های فکری و معیارهای داوری آنان، پاسخ‌هایی ارائه کرد که همسو با ذوق ادبی، ذهنیت جدلی و انتظارات آنان بود.

الف) تحدی قرآنی و به چالش کشیدن منکران در اعجاز قرآن

تحدی به معنای هم‌اوردطلبی برای آشکار شدن ناتوانی رقیب، از شرایط بنیادین معجزه و صدق نبوت در کلام اسلامی است (مؤدب، ۱۳۷۹: ۱۷). مشرکان با انکار وحی، قرآن را ساخته ذهن پیامبر (ص) یا تعلیم داده‌شده از سوی دیگران می‌پنداشتند؛ در پاسخ به این شبهات، آیات تحدی نازل شد تا مخالفان را در سه سطح کل قرآن، ده سوره و یک سوره به مبارزه بطلبد. (معرفت، ۱۳۸۸، ۴: ۳۰-۳۱) آیه ۲۳ سوره بقره در همین راستا می‌فرماید: «وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّثْلِهِ وَادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ». اگر قرآن بشری بود، دیگران نیز باید توان تولید مشابه آن را می‌داشتند، اما عجز منکران با وجود انگیزه فراوان، برهان قاطعی بر اعجاز الهی آن است. تعبیر «وَادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ» نیز بر دعوت‌یاری گرفتن از هر نیرویی تأکید دارد که ناتوانی عمومی در پاسخ به این دعوت، حقانیت وحی را تثبیت می‌کند. (طبرسی ۱۳۷۲، ۱: ۱۵۷-۱۵۸) از منظر مخاطب‌شناسی، انتخاب تحدی به‌عنوان شیوه اتمام حجت، دقیقاً بر مبنای تخصص اصلی مخاطبان عرب در فصاحت و بلاغت طراحی شده است تا چالش در میدانی صورت گیرد که آنان ادعای برتری در آن داشتند. در فضای مدینه، این شیوه تبلیغی نه تنها شبهات مشرکان را پاسخ می‌داد، بلکه با اثبات فرابشری بودن قرآن، زمینه اقناع و ثبات قدم مؤمنان را در مواجهه با جریان‌های معارض فراهم می‌آورد.

ب) تبیین حکمت نسخ آیات در پاسخ به تشکیک مشرکان

ناسخ و منسوخ دو دسته از آیات قرآن کریم هستند؛ آیه ناسخ جایگزین حکم

آیه منسوخ می‌شود. به عبارت دیگر نسخ، برداشتن حکمی و جایگزین نمودن حکمی جدید متناسب با شرایط و مصالح بندگان، از جانب خداوند است. (مولائی‌نیا همدانی، ۱۳۷۸: ۴۲۶) در فضای مدینه، نسخ برخی احکام پیشین بهانه‌ای برای تشکیک مشرکان و اهل کتاب شد و آنان تغییر احکام را نشانه لغزش در کلام وحی می‌پنداشتند. «مشرکان می‌گفتند: آیا نمی‌بینید که محمد اصحابش را به چیزی فرمان می‌دهد، سپس از آن نهی کرده و خلاف آن را دستور می‌دهد؟ امروز سخنی می‌گوید و فردا از آن باز می‌گردد؛ پس این قرآن کلام خود اوست» (واحدی، ۱۴۱۱ق: ۳۷) در پاسخ، خداوند آیات ۱۰۶ و ۱۰۷ سوره بقره را نازل فرمود: «مَا نَنْسَخْ مِنْ آيَةٍ أَوْ نُنسِهَا نَأْتِ بِخَيْرٍ مِنْهَا أَوْ مِثْلَهَا أَلَمْ نَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ أَلَمْ نَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ». این آیات پاسخ مستقیم به شبهه مخالفان است و نسخ را نه از سر تردید یا ناتوانی، بلکه برخاسته از علم و حکمت الهی و بر پایه مصالح بندگان و اقتضائات زمان معرفی می‌کند. مراد از «نَأْتِ بِخَيْرٍ مِنْهَا أَوْ مِثْلَهَا» آن است که حکم جایگزین یا از جهت مصلحت، سهولت و ثواب برتر است یا دست کم همانند حکم پیشین واجد مصلحت برای بندگان است. بر این اساس، نسخ در قرآن نشانه پویایی تشریع و توجه به روند تربیت تدریجی جامعه اسلامی است، نه ناسازگاری در کلام الهی.

از منظر مخاطب‌شناسی، پاسخ قرآن به شبهه نسخ، متناسب با سطح فهم و نوع اعتراض مخالفان تنظیم شده است؛ آنان تغییر تدریجی احکام را نشانه تناقض می‌پنداشتند، در حالی که قرآن با تبیین اصل قدرت و مالکیت مطلق الهی، ذهن مخاطب را از ظاهر تغییر به باطن حکمت منتقل می‌کند. در فضای مدینه که جامعه اسلامی در حال شکل‌گیری و پذیرش مرحله به مرحله احکام بود، نسخ یکی از جلوه‌های هماهنگی تشریع با ظرفیت مخاطبان به شمار می‌آمد و نشانگر نقش اساسی مخاطب‌شناسی در نزول تدریجی و تنظیم نوع پاسخ به شبهات است.

۵. تأثیر مخاطب‌شناسی بر شیوه افشاگری و هشدار اجتماعی نسبت به منافقان

در جامعه مدینه، گروهی با ظاهر ایمان و باطن بی‌ایمان حضور داشتند که به دلیل پنهان بودن نفاقشان، خطری جدی برای انسجام اجتماعی به شمار می‌رفتند. قرآن کریم با توجه به این ویژگی مخاطب، شیوه‌ای غیرمستقیم در افشاگری برگزید و به جای معرفی افراد، نشانه‌های رفتاری و فکری نفاق را برای جامعه تبیین کرد. این روش موجب می‌شد مؤمنان بتوانند در موقعیت‌های گوناگون جریان نفاق را بازشناسند و از نفوذ اجتماعی آن پیشگیری کنند.

الف) زمینه‌های اجتماعی نفاق و شیوه افشاگری قرآن

جریان نفاق به دلیل برخورداری از پوشش ایمان، خطری پیچیده‌تر از معارضان علنی داشت و مقابله با آنان نیازمند رویکردی غیرمستقیم بود. این وضعیت نشان می‌دهد که نوع مخاطب، شیوه افشاگری قرآن را شکل داده است. عبدالله بن ابیّ به‌عنوان شاخص‌ترین چهره این جریان، پس از افول جایگاه سیاسی خود در پی هجرت پیامبر (ص)، به توطئه و همکاری پنهانی با مخالفان روی آورد (شهیدی، ۱۳۹۶: ۷۱) هرچند این جریان پس از وی انسجام تشکیلاتی خود را از دست داد، اما پراکندگی منافقان در طوایف گوناگون، مانع از تقابل قبیله‌ای مستقیم با آنان می‌شد و نفاق را به جریانی سیال و پنهان تبدیل می‌کرد (پیشوایی، ۱۳۹۶: ۲۱۰ - ۲۱۱) از منظر مخاطب‌شناسی، همین پراکندگی سبب شد قرآن به‌جای افشای نام اشخاص، بر ترسیم شاخصه‌های رفتاری نفاق تمرکز کند تا جامعه در موقعیت‌های گوناگون توان بازشناسی آنان را داشته باشد. خداوند متعال با افشای دوگانگی گفتار و رفتار منافقان در آیات ۸ تا ۲۰ سوره بقره، ازجمله آیه «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ وَبِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَا هُمْ بِمُؤْمِنِينَ»، خصلت اصلی آنان را تبیین نمود. این شیوه تبلیغی با ترسیم دقیق الگوی رفتاری منافقان، ضمن آگاهی‌بخشی به مؤمنان، فضای نفوذ را برای جریان نفاق ناامن ساخت و بستری برای مراقبت اجتماعی فراهم آورد.

ب) افشای ادعای دروغین ایمان و بیماری قلبی منافقان

قرآن در توصیف منافقان، در آیات ۸ تا ۱۰ سوره بقره، نخست ادعای زبانی آنان را بازمی گوید که می گفتند: «آمَنَّا بِاللَّهِ وَبِالْيَوْمِ الْآخِرِ»، اما بی درنگ با تعبیر «وَمَا هُمْ بِمُؤْمِنِينَ» میان ظاهر گفتار و حقیقت باطن آنان فاصله می گذارد و دروغین بودن این ادعا را آشکار می سازد. سپس با عبارت «يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَالَّذِينَ آمَنُوا» نشان می دهد که آنان می پندارند با تظاهر به ایمان می توانند در نظام اجتماعی مدینه جایگاهی ایمن برای خود فراهم کنند، حال آنکه این فریب در حقیقت به خودشان بازمی گردد و نتیجه ای جز خودفریبی ندارد. در ادامه، ریشه این رفتار با تعبیر «فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ» تبیین می شود؛ بدین معنا که نفاق، پیش از آنکه کنشی بیرونی باشد، بیماری ای در ساحت درون انسان است که بر اثر استمرار در کذب و دوگانگی شدت می یابد و سرانجام به عذاب الهی منتهی می شود: «فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ۱: ۹۴-۹۲) از منظر مخاطب شناسی، این آیات با تمرکز بر نشانه های درونی و بیرونی نفاق، به جامعه مدنی می آموزد که هر اظهار ایمانی نشانه ایمان حقیقی نیست و باید میان ادعا و التزام واقعی تمایز نهاد. همچنین به کارگیری مفاهیمی چون «خدا» و «مرض» و «کذب» نشان می دهد که قرآن برای افشای منافقان از واژگانی بهره برده است که هم از حیث روان شناختی و هم از جهت اجتماعی، برای مخاطب مدنی روشن، هشدار آفرین و بازدارنده باشد.

ج) نقد خودپنداری اصلاح طلبانه و آشکارسازی حقیقت فساد منافقان

در آیات ۱۱ تا ۱۳ سوره بقره، قرآن با بیان رفتار و منطق درونی منافقان، مدعیان اصلاح را در برابر حقیقت فسادشان افشا می کند: «وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ قَالُوا إِنَّمَا نَحْنُ مُصْلِحُونَ أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ الْمُفْسِدُونَ وَلَكِنْ لَا يَشْعُرُونَ وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ آمِنُوا كَمَا آمَنَ النَّاسُ قَالُوا أَنُؤْمِنُ كَمَا آمَنَ السُّفَهَاءُ أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ السُّفَهَاءُ وَلَكِنْ لَا يَعْلَمُونَ». این آیات درباره گروهی از منافقان مدینه نازل شد که با اظهار ایمان

در میان مسلمانان می‌زیستند؛ اما با تفرقه‌افکنی، تضعیف روحیه مؤمنان و ارتباط پنهانی با دشمنان، زمینه فساد اجتماعی را فراهم می‌کردند (طبرسی، ۱۳۷۲، ۱: ۷۴؛ طبری، ۱۴۱۲ق، ۱: ۲۸۱؛ طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ۱: ۳۰۱؛ قرطبی، ۱۳۶۴، ۱: ۲۱۱) در این آیات، قرآن نخست گفتار آنان را بازمی‌گوید: «إِنَّمَا نَحْنُ مُصْلِحُونَ»، اما با تأکید قاطع «أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ الْمُفْسِدُونَ» حقیقت رفتارشان را آشکار می‌سازد. این تقابل نشان می‌دهد که ادعای اصلاح‌طلبی آنان، پوششی برای رفتارهای تخریبی و نفاق‌آلود است، درحالی‌که خود از عمق آثار آن آگاه نیستند. در ادامه، آنان ایمان صادقانه مؤمنان را با تمسخر نگریسته و گفتند: «أَنُؤْمِنُ كَمَا آمَنَ السُّفَهَاءُ»، اما قرآن با جمله «أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ السُّفَهَاءُ» داوری آنان را وارونه می‌کند. مفسران مراد از «الناس» را در آیه یادشده مؤمنان راستین از مهاجران و انصار دانسته‌اند که ایمانشان معیار صدق ایمان معرفی شده است؛ زیرا الف و لام در الناس برای عهد است نه استغراق. (طوسی، بی‌تا، ۱: ۷۷)

از منظر مخاطب‌شناسی، نقل مستقیم گفتار منافقان در این آیات شیوه‌ای آموزشی برای جامعه مدنی است؛ زیرا مخاطبان با شنیدن استدلال‌ها و توجیه‌های آنان، الگوهای زبانی و فکری نفاق را می‌شناسند. قرآن با افشای تناقض میان ادعای «اصلاح» و حقیقت «فساد»، روشی اقناعی اتخاذ کرده تا جامعه از فریب شعارهای به ظاهر اصلاح‌طلبانه در امان بماند و بتواند داوری دینی خود را در برابر جریان‌ات نفاق تقویت کند.

د) برملا ساختن دوگانگی رفتاری و نفاق پنهان در تعامل با مؤمنان

قرآن کریم در توصیف چهره‌ی نفاق و رفتارهای دوگانه‌ی عبدالله بن ابی و همراهانش در مدینه می‌فرماید: «وَإِذَا لَقُوا الَّذِينَ آمَنُوا قَالُوا آمَنَّا وَإِذَا خَلَوْا إِلَىٰ شَيَاطِينِهِمْ قَالُوا إِنَّا مَعَكُمْ إِنَّمَا نَحْنُ مُسْتَهْزِئُونَ اللَّهُ يَسْتَهْزِئُ بِهِمْ وَيَمُدُّهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ» (بقره/۱۴-۱۵). در گزارش شأن نزول این آیات آمده است که وی در مواجهه با بزرگان مسلمان، با تملق خود را مؤمن نشان می‌داد، اما در خلوت با همفکرانش، ایمان و مؤمنان را به تمسخر می‌گرفت و دیگران را به تداوم این روش

فرامی‌خواند که سرانجام این آیات در واکنش به این رفتار نازل شد (واحدی، ۱۴۱۱ق: ۲۵).

قرآن در این آیات، دوگانگی رفتاری منافقان را با تقابل دو موقعیت اجتماعی تصویر می‌کند: در مواجهه با مؤمنان، «قَالُوا آمَنَّا»؛ اما هنگام خلوت با «شیاطین» خویش، می‌گویند «إِنَّا مَعَكُمْ» و ایمان ظاهری را ابزار استهزا معرفی می‌کنند. در روایات، بزرگان کفر، شیاطین جن و کاهنان به‌عنوان مصداق «شیاطینهم» معرفی شده‌اند که با توجه به معنای شیطنت یعنی دوری از ایمان و خیر، شامل همه موارد می‌شود و بر شبکه پنهانِ همدستی آنان در برابر جامعه مؤمنان دلالت دارد. (قرطبی، ۱۳۶۴، ۱: ۲۰۷) منظور از عبارت «اللَّهُ يَسْتَهْزِئُ بِهِمْ» تحققِ اثر عرفیِ استهزاء است؛ بدین معنا که تحقیر، رسواسازی و اِعمالِ کفری متناسب با رفتار آنان را در برمی‌گیرد، نه صدور تمسخر به معنای انسانی آن. همچنین «اللَّهُ يَسْتَهْزِئُ بِهِمْ» جمله‌ای استینافی و مستقل است که بر شدت و فراگیریِ کفر الهی، در قیاس با استهزای آنان، تأکید می‌کند. افزون بر این، آیه دلالت دارد که مجازاتِ آنان بر عهده خداوند است و مؤمنان نیازی به مقابله به‌مثل در قالبِ استهزاء ندارند (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ۱: ۶۶-۶۷).

از منظر مخاطب‌شناسی، طرح عینی رفتارهای دوگانه منافقان، بخشی از رویکرد تربیتی قرآن برای جامعه مدینه است؛ زیرا نشانه‌های نفاق را به‌صورت ملموس عرضه می‌کند تا مخاطبان بتوانند میان ایمان حقیقی و اظهار ایمانِ مصلحتی تمایز نهند. بازگویی گفتار آنان در دو موقعیت متفاوت، شیوه‌ای برای آگاهی‌بخشی اجتماعی است تا جامعه اسلامی در برابر فریب‌های تبلیغی و همگرایی‌های پنهان منافقان هوشیار شود.

۵) هشدار نسبت به ریاکاری و کتمان حقیقت در میان منافقان

بررسی فضای اجتماعی مدینه نشان می‌دهد یکی از چالش‌های جدی جامعه نوپای اسلامی، رفتار دوگانه برخی اهل کتاب و مسلمانان بود که در ظاهر با

مؤمنان همراهی می‌کردند اما در خلوت مواضعی متفاوت اتخاذ می‌نمودند. قرآن در آیه «وَإِذَا لَقُوا الَّذِينَ آمَنُوا قَالُوا آمَنَّا وَإِذَا خَلَا بِغَضٍ مِنْهُمْ إِلَى بَعْضٍ قَالُوا أَنُحَدِّثُكَ بِمَا فَتَحَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ لِيُحَاجُّوكُمْ بِهِ عِنْدَ رَبِّكُمْ أَفَلَا تَعْقِلُونَ» (بقره ۷۶) بر اساس روایت ابن عباس، منافقان اهل کتاب رفتاری دوگانه داشتند: در ظاهر و هنگام دیدار با اصحاب پیامبر (ص) با ادعای ایمان، بر اساس آنچه در تورات می‌دانستند، نبوت او را تصدیق می‌کردند؛ اما در جلسات خصوصی، سران یهود به دیگران هشدار می‌دادند که این شواهد تورات را برای مسلمانان بازگو نکنند؛ زیرا اگر یهودیان می‌پذیرفتند که در تورات نشانه‌های نبوت پیامبر (ص) وجود دارد، حجتی قاطع بر ضد خود فراهم می‌کردند که می‌توانست مبنای محاجه‌ی مسلمانان با آنان قرار گیرد (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ۳: ۵۶۲) از منظر مخاطب‌شناسی، قرآن در برابر چنین مخاطبانی که آگاه اما معاند بودند از روش افشای لایه پنهان رفتار بهره می‌گیرد تا جامعه مدینه نسبت به شکاف میان ظاهر و باطن آنان آگاه شود. یادآوری احاطه علمی خداوند نیز کارکرد تربیتی دارد و مخاطب را از تداوم ریاکاری و دوگانگی در گفتار و رفتار باز می‌دارد.

۶. تأثیر مخاطب‌شناسی بر شیوه استدلال و گفت‌وگوی قرآنی با اهل کتاب

در فضای اجتماعی مدینه، اهل کتاب به‌ویژه یهودیان از جایگاه علمی و دینی ویژه‌ای برخوردار بودند و بسیاری از آنان با مفاهیم وحی، نبوت و کتاب آسمانی آشنایی داشتند. بر این اساس، قرآن کریم در گفت‌وگو با آنان از شیوه‌هایی مانند استدلال درون‌دینی، یادآوری تاریخ و نعمت‌های الهی، نقد رفتار عالمان دینی و پاسخ به شبهات اعتقادی بهره می‌گیرد. این رویکرد نشان می‌دهد که مخاطب‌شناسی در نحوه اقناع و شیوه خطاب قرآنی با اهل کتاب نقش تعیین‌کننده‌ای داشته است.

الف) تبلیغ مفاهیم دینی از راه یادآوری نعمت‌های خداوند بر اهل کتاب
قرآن کریم در مواجهه با یهودیان یثرب که با اوصاف پیامبر (ص) آشنا بودند

اما ایمان نیاوردند (پیشوایی، ۱۳۹۶: ۲۱۳)، از یادآوری پی‌درپی نعمت‌ها برای احیای پیوند عاطفی و اعتقادی مخاطبان بهره می‌گیرد (قرائتی، ۱۳۸۵: ۷۱).

محور این روش، خطاب مکرر «يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ» و تبیین نعمت‌های اختصاصی آنان است تا زمینه پذیرش دعوت اسلام فراهم شود. نخست، یادآوری نعمت‌ها در آیه «يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَوْفُوا بِعَهْدِي أُوفِ بِعَهْدِكُمْ وَإِيَّايَ فَارْهَبُونِ» (بقره: ۴۰) مقدمه دعوت به وفای به عهد قرار می‌گیرد. سپس نجات از سلطه فرعونیان در آیه «وَإِذْ نَجَّيْنَاكُمْ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ يُذَبِّحُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ وَفِي ذَلِكُمْ بَلَاءٌ مِنْ رَبِّكُمْ عَظِيمٌ» (بقره: ۴۹) به عنوان آزمونی بزرگ یادآوری می‌شود تا مخاطب در رنج‌های تاریخی، دست هدایتگر الهی را ببیند. در ادامه، شکافته‌شدن دریا و غرق‌شدن دشمنان در آیه «وَإِذْ فَرَقْنَا بِكُمْ الْبَحْرَ فَأَنْجَيْنَاكُمْ وَأَغْرَقْنَا آلَ فِرْعَوْنَ وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ» (بقره: ۵۰) انگیزه‌ای برای شکر و ایمان معرفی می‌شود. قرآن با تصویر میعاد موسی (ع) و گوساله‌پرستی بنی‌اسرائیل، ماهیت ظلم بنی‌اسرائیل به خویش را تبیین کرده و نعمت عفو الهی را در آیه «ثُمَّ عَفَوْنَا عَنْكُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ» (بقره: ۵۲) برای تشویق آنان به شکر بازگو می‌کند. همچنین اعطای کتاب و فرقان در آیه «وَإِذْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَالْفُرْقَانَ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ» (بقره: ۵۳) به عنوان وسیله هدایت مطرح می‌شود. فرصت توبه پس از گوساله‌پرستی با خطاب دلسوزانه «يَا قَوْمِ إِنَّكُمْ ظَلَمْتُمْ أَنْفُسَكُمْ» (بقره: ۵۴) و معجزه حیات دوباره «وَإِذْ نَجَّيْنَاكُمْ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ يُذَبِّحُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ وَفِي ذَلِكُمْ بَلَاءٌ مِنْ رَبِّكُمْ عَظِيمٌ» (بقره: ۵۶) نیز برای درک عظمت قدرت الهی بیان می‌گردد. در یادآوری نعمت‌های مادی، به نزول «مَنَّ» و «سَلَوَى» و جوشیدن دوازده چشمه (بقره: ۵۷-۶۰) اشاره می‌شود که افزون بر رفع نیاز، نظم اجتماعی را گوشزد می‌کند. در کنار این‌ها، ناسپاسی و بهانه‌جویی آنان برای تنوع غذایی و پیامدهای آن، مانند ذلت و خشم الهی در آیه «وَضَرَبْتَ عَلَيْهِمُ الذِّلَّةَ وَالْمَسْكَنَةَ وَبَاءُوا بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ...» (بقره: ۶۱) برای نشان دادن پیوند کفران نعمت و سقوط اخلاقی تبیین می‌شود. سرانجام

با یادآوری برتری تاریخی در آیه «يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَنِّي فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ» (بقره: ۱۲۲) این برتری نه امتیازی ابدی، بلکه مسئولیتی سنگین معرفی می‌گردد. از منظر مخاطب‌شناسی، این روش نشان می‌دهد قرآن متناسب با حافظه تاریخی مخاطب، تجربه‌های مشترک را برای اقناع وی به کار می‌گیرد.

ب) نکوهش کتمان حق و تناقض رفتاری عالمان یهود

یهودیان مدینه با پیشینه انتظار ظهور پیامبر (ص) و حتی افتخار به یاری او (جعفریان، ۱۳۸۳: ۳۶۹؛ فیاض، ۱۳۹۴: ۷۲) پس از بعثت به دلیل عواملی چون نژادپرستی، ترس از دست‌دادن موقعیت اقتصادی و قطع منافع، دچار دوگانگی و کتمان حقیقت شدند. (پیشوایی، ۱۳۹۶: ۲۱۳) قرآن در سوره بقره با استناد به دانش پیشین آنان به نکوهش این تناقضات می‌پردازد؛ چنان‌که در آیه «وَأَمِنُوا بِمَا أُنزِلَتْ مُصَدِّقًا لِّمَا مَعَكُمْ وَلَا تَكُونُوا أَوَّلَ كَافِرٍ بِهِ وَلَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي ثَمَنًا قَلِيلًا وَإِنِّي فَاتَّقُونَ» (بقره: ۴۱)، ضمن تبیین تطابق قرآن با کتب آسمانی، آنان را از فروش آیات به بهای اندک نهی می‌کند. در ادامه، آیه «وَلَا تَلْسُؤُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُوا الْحَقَّ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ» (بقره: ۴۲) ضمن افشای آمیختن حق و باطل، مسئولیت علمی آنان را یادآور می‌شود. قرآن در آیه «اتَّامُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ وَأَنْتُمْ تَتْلُونَ الْكِتَابَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ» (بقره: ۴۴) با توییح عالمان به دلیل امر به نیکی و عمل شخصی متناقض با آن، آنان را به تعقل دعوت می‌کند. این افشاگری در آیه «وَإِذَا لَقُوا الَّذِينَ آمَنُوا قَالُوا آمَنُوا وَإِذَا خَلَا بِغُضِّهِمْ إِلَىٰ بَعْضِ قَالُوا أَتُحَدِّثُونَهُمْ بِمَا فَتَحَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ لِيُحَاجُّوكُمْ بِهِ عِنْدَ رَبِّكُمْ أَفَلَا تَعْقِلُونَ» (بقره: ۷۶) به اوج می‌رسد که رفتار دوگانه منافقان یهود را برملا می‌سازد. در آیات ۸۹ و ۹۰ نیز ضمن یادآوری انتظار پیشین و انکار حسادت آمیز پس از بعثت، خشم الهی به‌عنوان پیامد کفر از روی بغی معرفی می‌شود. سرانجام آیه «وَلَمَّا جَاءَهُمْ رَسُولٌ مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ لِّمَا مَعَهُمْ نَبَذَ فَرِيقٌ مِّنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ كِتَابَ اللَّهِ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ كَأَنَّهُمْ لَا يَعْلَمُونَ» (بقره: ۱۰۱) لجاجت در برابر پیامبری که مؤید آموزه‌های پیشین است را نقد می‌کند. این

روش تبلیغی با تکیه بر دانش تخصصی مخاطبان، راه بهانه‌جویی را بسته و نشان می‌دهد قرآن با شناختی دقیق از مخاطبان، از هر فرصتی برای تمایز حق از باطل بهره می‌برد.

ج) یادآوری تاریخ بنی اسرائیل برای عبرت‌آموزی از پیامدهای پیمان‌شکنی

پیامبر اکرم (ص) در آغاز ورود به مدینه با یهودیان پیمان مسالمت و عدم تجاوز بست و برای آنان حقوقی مشخص تعیین و حتی با قبایل بنی قینقاع، بنی نضیر و دیگر گروه‌های یهودی، پیمان‌نامه‌های جداگانه‌ای منعقد کرد (فیاض، ۱۳۹۴: ۷۳). در مرحله نخست، یهودیان به پشتوانه قدرت اقتصادی و هم‌پیمانی با مشرکان، خود را در معرض خطر جدی نمی‌دیدند و می‌پنداشتند دشمنان دیگر برای مهار مسلمانان کفایت می‌کنند؛ اما با وجود برخورداری از حقوق سیاسی و اجتماعی و حتی بهره‌مندی از بخشی از غنائم، به سبب نفوذ پیشین بر اقتصاد یثرب و نارضایتی از برچیده‌شدن مناسبات سابق، به تدریج به کارشکنی و نقض پیمان روی آوردند (شهیدی، ۱۳۹۶: ۷۲). بنی قینقاع نخستین گروهی بود که پس از بدر پیمان دوستی و عدم تجاوز را شکست و با رفتار خصمانه، دامنه تنش را گسترش داد (پیشوایی، ۱۳۹۶: ۲۴۳). در جنگ احزاب نیز بنی قریظه با پشتیبانی از سپاه مشرکان، انتقال آذوقه و ایجاد رعب در میان غیرنظامیان، موقعیت مسلمانان را دشوار کرد؛ هرچند با افشای نقش «حُیَّ بن أخطب» و تدبیر پیامبر (ص)، این توطئه ناکام ماند (پیشوایی، ۱۳۹۶: ۲۵۳). قرآن با توجه به این زمینه اجتماعی مدینه، تاریخ بنی اسرائیل را در برابر یهود معاصر می‌نهد تا روشن سازد که پیمان‌شکنی امروز آنان ادامه عهدشکنی‌های تاریخی است و این تطبیق، حاصل دقت در مخاطب‌شناسی است. در سوره بقره، ابتدا با خطاب «يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَوْفُوا بِعَهْدِي أُوفِ بِعَهْدِكُمْ وَإِيَّايَ فَارْهَبُون» (بقره: ۴۰) یادآوری نعمت‌های الهی، دعوت به وفای به عهد و انحصار خشیت در خداوند به هم پیوند می‌خورد تا روشن شود رابطه انسان با خدا، پیمانی دوسویه است و نقض آن، محرومیت از وفای الهی را در پی دارد. سپس با

یادآوری ماجرای پیمان سخت و برداشته شدن طور بر فراز آنان و فرمان «خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ» و نیز سرنوشت متجاوزان در حکم «السَّبْتِ» در آیات «وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ وَرَفَعْنَا فَوْقَكُمُ الطُّورَ...» تا «فَجَعَلْنَاهَا نَكَالًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهَا وَمَا خَلْفَهَا وَمَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ» (بقره: ۶۳-۶۶) نشان داده می‌شود که ترک عمل به تورات و نقض عهد، به مجازاتی عبرت‌آموز انجامیده است. در آیه «...قَالُوا سَمِعْنَا وَعَصَيْنَا وَأُشْرِينَا فِي قُلُوبِهِمُ الْعِجْلُ...» (بقره: ۹۳)، نافرمانی بنی‌اسرائیل و دل‌بستگی درونی آنان به گوساله‌پرستی، به مثابه مانعی برای ایمان واقعی آشکار می‌شود و ایمان صرفاً زبانی را بی‌اعتبار می‌سازد. در آیات «وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَءِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ...» تا «أَفْتَوْمُنُونَ بِنَعْيِ الْكِتَابِ وَتَكْفُرُونَ بِبَعْضٍ...» (بقره: ۸۳-۸۵) پیمانی فراگیر که هم حقوق الهی، مانند توحید، نماز و زکات و هم حقوق اجتماعی، مانند احسان به والدین، خویشاوندان، یتیمان و مسکینان، خوش‌رفتاری با مردم و پرهیز از خونریزی و اخراج یکدیگر را دربرمی‌گیرد، یادآوری و تناقض رفتاری آنان در کشتن و آواره کردن هم‌کیشان و سپس خرید و آزادکردن آنان نکوهش می‌شود. در پایان، ایمان‌گزینشی، یعنی باور به بخشی از کتاب و انکار بخشی دیگر شدیداً سرزنش شده و پیامد آن خواری در دنیا و عذاب سخت در آخرت معرفی می‌گردد. این روند با آیه «أَوَكُلَّمَا عَاهَدُوا عَهْدًا نَّبَذَهُ فَرِيقٌ مِنْهُمْ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ» (بقره: ۱۰۰) جمع‌بندی می‌شود؛ آیه‌ای که در آن، تکرار عهدشکنی بنی‌اسرائیل با لحنی سرزنش‌آمیز یادآوری و درعین حال به پیامبر (ص) آرامش داده می‌شود که این رفتار، سابقه‌ای دیرینه دارد. درمجموع، بهره‌گیری قرآن از تاریخ بنی‌اسرائیل در این بخش، صرف گزارش گذشته نیست، بلکه ابزاری تربیتی و تبلیغی برای مخاطبان مدنی است تا با مقایسه سرنوشت پیشینیان و وضعیت کنونی خویش، از تکرار چرخه پیمان‌شکنی پرهیز کنند و نسبت به پیامدهای اجتماعی و الهی نقض عهد آگاه شوند.

د) نهی از بهانه‌جویی و پرسش‌های لجوجانه در مواجهه با پیام الهی

یهودیان مدینه با جریانی تقابلی برای ممانعت از نفوذ اسلام، مطالبات

غیرمنطقی همچون نزول دفعی کتابی آسمانی یا جاری ساختن نهرها را مطرح می‌کردند (ابن‌هشام، ۱۳۵۵ق، ۲: ۲۰۴) آیه ۱۰۸ سوره بقره «أَمْ تُرِيدُونَ أَنْ تَسْأَلُوا رَسُولَكُمْ كَمَا سُئِلَ مُوسَى مِنْ قَبْلُ وَمَنْ يَتَّبِعِ الْكُفْرَ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ» در پاسخ به درخواست‌های نامعقول مخالفان نازل شده است که ایمان خود را به دیدن معجزات یا دریافت پیام‌های اختصاصی منوط می‌کردند. در این میان، عبدالله بن ابی‌امیه و گروهی از قریش از پیامبر (ص) خواستند کوه صفا را به طلا تبدیل کند، زمین مکه را گسترش دهد و نهرهایی در آن جاری سازد تا به او ایمان آورند. از سوی دیگر گروهی از یهودیان و مشرکان درخواست کردند کتابی آسمانی همانند تورات به‌صورت یکجا بر پیامبر نازل شود و عبدالله بن ابی‌امیه مخزومی نیز خواستار نامه‌ای مستقیم از سوی پروردگار شد که نبوت محمد (ص) را به او ابلاغ کند؛ گروهی دیگر نیز ایمان‌آوری خود را مشروط به مشاهده عینی خداوند و فرشتگان کردند که در پی این تقاضاها آیه مذکور نازل شد (واحدی، ۱۴۱۱ق: ۳۸-۳۷). این آیه با بیان اینکه ترجیح کفر بر ایمان گمراهی است، با استفهام تقریری، نفاق و بهانه‌جویی سائلان را افشا می‌کند. یهودیان با انگیزه حسادت، پرسش‌های پیچیده‌ای را برای ایجاد تردید در صفوف مؤمنان مطرح می‌کردند که پاسخ‌های نبوی، این تهدیدها را به فرصتی برای تثبیت حقانیت اسلام تبدیل می‌ساخت (جعفریان، ۱۳۸۳: ۴۶۸) خداوند نیز با بازخوانی داستان ذبح گاو (بقره: ۷۳-۶۷)، پیامد بهانه‌جویی را یادآور شد. بر اساس محتوای این آیات شیوه تبلیغی قرآن در این زمینه مشتمل بر مؤلفه‌هایی شامل عبرت‌آموزی از لجاجت تاریخی (وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُذْبَحُوا بَقَرَةً) نمایش روحیات مخاطب در خلال پرسش‌های مکرر (قَالُوا ادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّنْ لَنَا مَا هِيَ ... قَالُوا ادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّنْ لَنَا مَا لَوْهَا ... قَالُوا ادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّنْ لَنَا مَا هِيَ) توجه به شک و تردید در نظام خطاب (قَالُوا الْآنَ جِئْتَ بِالْحَقِّ) آزمون تدریجی صداقت (قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ لَا فَارِضٌ وَلَا بِكْرٌ عَوَانٌ بَيْنَ ذَلِكَ ... قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ صَفْرَاءُ فَاقِعٌ لَوُحُهَا تَسْرُ

النَّاطِرِينَ) تفصیل ویژگی‌ها برای بستن مسیرهای افعال (قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ لَا ذَلُولَ تُثِيرُ الْأَرْضَ وَلَا تَسْقِي الْحَرْثَ مُسَلَّمَةً لَا شَيْءَ فِيهَا) و بهره‌گیری از اعجاز برای تثبیت قدرت الهی (فَقُلْنَا اضْرِبُوهُ بِبَعْضِهَا كَذَلِكَ يُحْيِي اللَّهُ الْمَوْتَى وَيُرِيكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ) است. این رویکرد در فضای مدنی، علاوه بر کارکرد آموزشی، مدیریت روانی معارضان بود تا دریابند کثرت سؤال لزوماً به معنای کثرت معرفت نیست.

۵) پاسخ استدلالی به شبهات اعتقادی اهل کتاب؛ دشمنی با جبرئیل

برخی یهودیان با تعابیر تنیدی مانند «جبرئیل عدونا» با جبرئیل (فرشته وحی) دشمنی کرده و او را دشمن خود معرفی کرده‌اند. جبرئیل همچنین به‌عنوان عامل عذاب و نابودکننده پادشاهی یهودیان مطرح شده و جبرئیل را «فرشته جنگ و سختی» می‌دانسته‌اند. (بیضاوی، ۱۴۱۸ق، ۱: ۹۵-۹۶؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ۳: ۶۱۰-۶۱۱) قرآن در آیات ۹۷ و ۹۸ سوره بقره با شیوه استدلالی به این باور واکنش نشان داده است: «قُلْ مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِجِبْرِيلَ فَإِنَّهُ نَزَّلَهُ عَلَى قَلْبِكَ بِإِذْنِ اللَّهِ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَهُدًى وَبُشْرَى لِلْمُؤْمِنِينَ مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِلَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَرُسُلِهِ وَجِبْرِيلَ وَمِيكَالَ فَإِنَّ اللَّهَ عَدُوٌّ لِلْكَافِرِينَ». این آیات در پاسخ به یهودیانی نازل شد که به دلیل دشمنی با جبرئیل، پیامبر (ص) را نمی‌پذیرفتند و تأکید می‌کند که مخالفت با جبرئیل و فرشتگان، مخالفت با خداوند است (بحرانی، ۱۴۱۵ق، ۱: ۲۸۷-۲۹۱).

بر اساس سبب نزول، گروهی از یهودیان از پیامبر (ص) درباره فرشته وحی پرسیدند و هنگامی که جبرئیل را نام برد گفتند او دشمن ماست زیرا مأمور جنگ و عذاب اس؛ و اگر فرشته وحی بر پیامبر (ص) میکائیل که از نظر آنان فرشته رحمت است، بود به پیامبر (ص) ایمان می‌آوردیم (واحدی، ۱۴۱۱ق: ۳۲) البته این ادعا تنها بهانه‌ای برای نپذیرفتن دعوت پیامبر (ص) بود.

از منظر مخاطب‌شناسی، قرآن با بازتعریف جایگاه جبرئیل در نظام وحی، تلاش می‌کند پیش‌فرض‌های نادرست اهل کتاب را اصلاح و مانع تبدیل آن‌ها به

موانع روانی پذیرش پیام الهی شود. ویژگی‌های تبلیغی قرآن در این آیات عبارت‌انداز: معرفی جبرئیل به‌عنوان فرشته وحی، تصدیق قرآن نسبت به کتب آسمانی پیشین و نقش آن در هدایت و بشارت مؤمنان، تبیین تلازم میان دشمنی نسبت به ملائکه و پیامبران با کفر و دشمنی خداوند.

(و) تبیین حکمت احکام برای رفع شبهات اهل کتاب؛ تغییر قبله

پیامبر (ص) و مسلمانان تا هفده ماه پس از هجرت به مدینه به‌سوی بیت‌المقدس نماز می‌خواندند. یهودیان این موضوع را بهانه‌ای برای تبلیغ علیه پیامبر (ص) دانسته و مدعی شدند مسلمانان قبله خود را نمی‌شناختند و آنان را هدایت کردند. (فیاض، ۱۳۹۴: ۷۵-۷۴) در چنین فضایی، پاسخ وحیانی علاوه بر رفع شبهه، هویت دینی جامعه مسلمانان را تثبیت می‌کرد. ماه شعبان سال دوم هجرت، آیه ۱۴۴ سوره بقره نازل شد: «قَدْ نَرَى تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِي السَّمَاءِ فَلَنُوَلِّيَنَّكَ قِبْلَةً تَرْضَاهَا فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ وَإِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ». بر اساس گزارش‌های تاریخی، پیامبر (ص) همان هنگام جهت قبله را از بیت‌المقدس به‌سوی کعبه تغییر دادند و مسجد بنی‌سلمه به «ذوقبتین» معروف شد (شهیدی، ۱۳۹۶: ۷۵-۷۳) از منظر مخاطب‌شناسی، تغییر قبله پیامی هویتی برای مسلمانان بود که استقلال آنان را از سنت عبادی یهود تثبیت می‌کرد.

یهودیان مدینه این تغییر را ضعیف‌کننده جایگاه دینی خود می‌دانستند و به اعتراض پرداختند که چرا مسلمانان قبله‌ای را که سال‌ها به‌سوی آن نماز می‌خواندند رها کردند (پیشوایی، ۱۳۹۶: ۲۱۷ و ۲۱۸) پاسخ قرآن آیه ۱۱۵ سوره بقره است: «وَلِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ فَأَيْنَمَا تُوَلُّوا فَثَمَّ وَجْهَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ وَاسِعٌ عَلِيمٌ». در این پاسخ به‌جای جدال مستقیم، اصل توحید و مالکیت مطلق خداوند بر جهان مطرح می‌شود تا چارچوب فکری مخاطب اصلاح گردد و پذیرش حکم الهی تسهیل شود. آیه به‌واسطه بیان گسترده‌گی مالکیت الهی بر مشرق و مغرب،

توجه مخاطب را به حضور فراگیر خدا جلب می‌کند. به عبارات دیگر، تعیین قبله به کعبه محدودکننده خدا نیست بلکه حکم عبادی برای ایجاد هماهنگی در نماز است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ۱: ۴۱۵-۴۱۳) از منظر مخاطب‌شناسی، این شیوه نشان می‌دهد قرآن ابتدا مبنای فکری مخالفان را اصلاح و سپس حکمت شرعی را تبیین می‌کند تا هم اقناع مخاطب تحقق یابد و هم انسجام هویتی جامعه مسلمانان حفظ گردد.

ز) افشای تحریف و دستکاری آیات الهی توسط برخی عالمان یهود؛ تحریف اوصاف پیامبر (ص)

پس از هجرت مسلمانان به مدینه و استقرار دعوت نبوی، تقابل میان اسلام و سنت‌های پیشین یهود شدت گرفت. عالمان یهود که پیش‌ازاین با پیش‌گویی‌های تورات مژده ظهور پیامبر (ص) را می‌دادند، با انطباق اوصاف پیامبر (ص) بر آنچه در کتاب‌هایشان بود، منافع و جایگاه خود را در خطر دیدند و به تحریف اوصاف جسمانی ایشان پرداختند. (طبرسی، ۱۳۷۲، ۱: ۲۹۲) خداوند بر اساس مخاطب‌شناسی دقیق، در آیات ۷۷ تا ۸۰ سوره بقره می‌فرماید: «أَوَلَا يَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ وَمَنْهُمْ أُمِّيُونَ لَا يَعْلَمُونَ الْكِتَابَ إِلَّا أَمَانِي وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ يَكْتُبُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ لِيَشْتَرُوا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا فَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا كَتَبَتْ أَيْدِيهِمْ وَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا يَكْسِبُونَ وَقَالُوا لَنْ تَمَسَّنَا النَّارُ إِلَّا أَيَّامًا مَعْدُودَةً قُلْ أَتَّخَذْتُمْ عِنْدَ اللَّهِ عَهْدًا فَلَنْ يُخْلِفَ اللَّهُ عَهْدَهُ أَمْ تَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ». این آیات ضمن تفکیک میان عالمان خائن و پیروان ناآگاه، فساد خواص را افشا و راه بازگشت را برای توده‌های فریب‌خورده می‌گشاید. آگاهی مطلق الهی نسبت به اسرار، هشدار می‌دهد به عالمان برای ترک پنهان‌کاری است. همچنین قرآن ادعای کذب مصونیت از عذاب طولانی و وعده‌های خیالی آنان با خدا را با بیانی استدلالی رد می‌کند. خداوند ضمن افشای تحریفات، شکاف میان نخبگان دینی و توده‌های ناآگاه را هدف می‌گیرد تا اعتبار نظام‌های معرفتی دست‌کاری شده فروبریزد.

۷. تأثیر مخاطب‌شناسی جامعه چندقبیله‌ای مدینه بر تقویت همبستگی اجتماعی

جامعه مدینه از گروه‌های متنوع قبیله‌ای، دینی و فرهنگی تشکیل شده بود و هر یک از این گروه‌ها دارای پیشینه تاریخی، ساختار اجتماعی و حساسیت‌های خاص خود بودند. در چنین فضایی، کارآمدی دعوت دینی درگرو درک دقیق ویژگی‌های مخاطبان و تنظیم پیام‌ها متناسب با نیازها و چالش‌های واقعی آنان بود؛ ازاین‌رو بخش قابل‌توجهی از آیات مدنی به مسائلی مانند حفظ پیمان‌های اجتماعی، کاهش تعارضات قبیله‌ای، تقویت همبستگی جمعی و تنظیم روابط میان گروه‌های مختلف اختصاص یافته است.

الف) هشدار نسبت به پیمان‌شکنی و تأکید بر حفظ پیوندهای اجتماعی

پس از هجرت به مدینه، سامان‌دهی مناسبات میان گروه‌های گوناگون (اوس، خزرج، مهاجران و یهودیان) ضرورتی بنیادین بود. تنوع قومی و اعتقادی، زمینه بروز تعارض را فراهم می‌کرد؛ لذا مدیریت نبوی بر درک واقع‌بینانه از روحیات و حساسیت‌های این مخاطبان استوار شد. اقداماتی نظیر پیمان‌نامه مدینه و عقد اخوت، تدابیری برای کاهش شکاف‌های قبیله‌ای و تقویت همبستگی بود (ابن‌هشام، ۱۳۵۵ق، ۲: ۱۴۷) در همین راستا آیه ۲۷ سوره بقره می‌فرماید: «الَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ». برخی مفسران این پیمان را به «عالم ذر» و میثاق خدا با نسل آدم نسبت داده‌اند؛ درحالی‌که گروهی دیگر، وجود نشانه‌ها و براهین توحید در آفرینش آسمان و زمین را نوعی عهد تکوینی میان خدا و انسان می‌دانند. دیدگاه‌های دیگری نیز این میثاق را پیمان ابلاغی خداوند از طریق پیامبران برای پرستش یگانه او، یا عهد ویژه با پیروان ادیان پیشین برای ایمان به پیامبر اسلام (ص) و خودداری از کتمان حقیقت ظهور او تفسیر کرده‌اند. برخی مفسران نیز با توجه به سیاق، معتقدند این آیات، عمومیت خطاب نسبت به همه کافران را می‌رساند (ابن‌عطیه، ۱۴۲۲ق، ۱: ۱۱۳). تأکید قرآن بر نکوهش پیمان‌شکنی، نشان‌دهنده انطباق شیوه‌های تبلیغی با وضعیت مخاطبان با پیشینه رقابت‌های قبیله‌ای و اختلافات اعتقادی

است. بر این اساس مخاطب‌شناسی در آیات مدنی، فراتر از عقاید، ساختار اجتماعی و نیاز به انسجام را در برمی‌گیرد و مفاهیمی را برجسته می‌کند که در ترمیم شکاف‌ها اثرگذار است.

ب) دعوت به مشترکات ادیان توحیدی برای کاهش تعصبات دینی

فضای چندفرهنگی مدینه، گفت‌وگوهای دینی میان مسلمانان، یهودیان و مسیحیان را به امری اجتناب‌ناپذیر بدل کرده بود. برخی علمای یهود و نمایندگان مسیحیان نجران، با تأکید بر آیین خود، مسلمانان را به ترک دین اسلام فرامی‌خواندند. (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳ق، ۱: ۱۴۱) این انحصارگرایی، چالش تبلیغی مهمی برای جامعه نوپای مدینه محسوب می‌شد. خداوند در پاسخ، آیات ۱۳۵ و ۱۳۶ سوره بقره را نازل کرد: «وَقَالُوا كُونُوا هُودًا أَوْ نَصَارًا تَهْتَدُوا قُلْ بَلْ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا... قُولُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنْزِلَ إِلَيْنَا... لَا نَفَرِقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ». تأکید بر آیین ابراهیم (ع) راهکاری برای ابطال ادعاهای انحصاری و بازگشت به توحید خالص است. این رویکرد ضمن تبیین معیار هدایت در پذیرش تمامی پیامبران الهی، با استناد به شخصیت مورد احترام ابراهیم (ع) زمینه گفت‌وگویی منطقی را میان گروه‌های دینی فراهم می‌سازد. این شیوه تبلیغی، نشان‌دهنده درک عمیق از روان‌شناسی مخاطب است؛ چراکه با برجسته‌سازی مشترکات الهی و دعوت به همبستگی، مسلمانان را از منازعات فرسایشی باز می‌دارد. مخاطب‌شناسی قرآن با احترام به اعتقادات دیگران در عین تثبیت هویت اسلامی، الگویی کارآمد برای کاهش تعصبات و گسترش هم‌زیستی فرهنگی ارائه می‌دهد.

ج) تبیین احکام اقتصادی و اجتماعی برای تنظیم روابط در جامعه اسلامی

با هجرت پیامبر (ص) به مدینه، رسالت اسلامی از مرحله متمرکز بر اصلاح اعتقادات به مرحله تشکیل جامعه و اداره امور عمومی وارد شد. در این وضعیت، تشریع احکام اقتصادی و اجتماعی ضرورتی اساسی برای سامان‌دهی روابط داخلی جامعه نوپای اسلامی بود؛ جامعه‌ای مرکب از قبایل گوناگون و نیز

گروه‌هایی از اهل کتاب که بدون تنظیم ضوابط، در معرض تعارض و بی‌ثباتی قرار می‌گرفت. از همین رو، آیات مدنی به‌تدریج مجموعه‌ای از مقررات مربوط به معاملات، انفاق، زکات، قصاص و حدود را بیان کردند؛ مقرراتی که پاسخ به نیازهای واقعی جامعه مدینه با هدف استقرار عدالت و پیشگیری از هرج‌ومرج بود. نمونه روشن این جهت‌گیری، آیه ۱۸۸ سوره بقره است: «وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ وَتُدْلُوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِتَأْكُلُوا فَرِيقًا مِنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ» این آیه نهی صریحی از تصرف ناروا در اموال دیگران و توسل به رشوه و بهره‌گیری نادرست از دستگاه قضا برای کسب مال است. این آیه در مقام تبیین آیه «خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا» قرار دارد. اضافه اموال به ضمیر «کم» در «أموالکم» نشان می‌دهد که قرآن کریم، اصل مالکیت خصوصی را - که یکی از بنیان‌های اساسی سازمان اجتماعی بشر به شمار می‌آید - به رسمیت شناخته و تأیید کرده است. (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ۲: ۵۲) تکیه قرآن بر نهی از اکل مال به باطل در فضای مدنی، بیانگر آن است که مخاطبان آیات با جامعه‌ای روبه‌رو بودند که از ساختار قبیله‌ای به نظام حقوقی منسجم گذار می‌کرد و احتمال نزاع‌های مالی و سوءاستفاده از قدرت در آن وجود داشت. ازاین‌رو شیوه تبلیغی در این آیات جنبه قانون‌گذارانه و بازدارنده یافته و متناسب با نیازهای اجتماعی سامان‌یافته است. بدین ترتیب، مخاطب‌شناسی در آیات مدنی تنها به اقناع اعتقادی محدود نمی‌شود، بلکه با توجه به واقعیت‌های اقتصادی و اجتماعی مدینه، احکامی را تشریع می‌کند که عدالت اقتصادی، نظم عمومی و سلامت ساختار حکومتی را تضمین کند و تبلیغ دینی را به تنظیم عملی روابط اجتماعی پیوند دهد.

نتیجه‌گیری

آیات مدنی در بستر عینی جامعه مدینه و در مواجهه با مخاطبانی متنوع و ناهمگون نه در فضایی یکدست نازل شده‌اند. ازاین‌رو تنوع شیوه‌های بیانی و محتوایی قرآن در این آیات، تصادفی نیست؛ بلکه حاصل منطق مخاطب‌محور قرآن است

که بر پایه آن، نوع خطاب و شیوه ابلاغ پیام را متناسب‌سازی می‌کند. این منطق را می‌توان در محورهای زیر به‌روشنی دنبال کرد:

۱. آموزش مفاهیم دینی و تشریع احکام برای مؤمنان و تازه‌مسلمانان: یافته‌ها نشان داد در جامعه نوپای مدینه، قرآن از مرحله تثبیت توحید به مرحله نهادسازی وارد می‌شود. تأکید بر ایمان به غیب، اقامه نماز و انفاق و نیز بشارت‌های بهشتی، سازوکارهایی برای تقویت انگیزش دینی، تبدیل باور به کنش و ایجاد انسجام در امت اسلامی است.

۲. اتمام حجت و پاسخ به شبهات اعتقادی مشرکان: قرآن در مواجهه با مشرکان، متناسب با ذهنیت جدلی آنان، به استدلال روی می‌آورد. تحدی قرآنی، دقیقاً در میدانی طرح می‌شود که عرب فصیح مدعی برتری در آن است و از این طریق، ابزار تبلیغ به ابزار اقناع تبدیل می‌گردد. همچنین تبیین حکمت نسخ نشان می‌دهد قرآن شبهه تناقض را به پویایی تشریع برمی‌گرداند و تغییر حکم را نه ضعف متن، بلکه هماهنگی حکم الهی با مصالح و ظرفیت‌های تربیتی جامعه معرفی می‌کند.

۳. افشاگری و هشدار اجتماعی نسبت به منافقان: در برابر پدیده پیچیده و پنهان نفاق، قرآن روش افشای غیرمستقیم و نه معرفی افراد را برمی‌گزیند. بازگویی دوگانگی گفتار و کردار، بیماری قلبی، خودپنداری اصلاح‌طلبانه، تمسخر مؤمنان و شبکه ارتباطی پنهان، علاوه بر کارکرد آموزشی، با بالا بردن بصیرت اجتماعی، بدون ایجاد درگیری قبیله‌ای، جامعه را در برابر نفوذ تدریجی منافقان مقاوم می‌سازد.

۴. استدلال و گفت‌وگوی قرآنی با اهل کتاب: قرآن در گفت‌وگو با اهل کتاب، به تناسب پیشینه دینی آنان، از ابزارهای درون‌دینی و تاریخی مانند یادآوری نعمت‌ها، تذکر میثاق‌ها، نقد کتمان و تناقض عالمان و بازخوانی تاریخ بنی‌اسرائیل استفاده می‌کند. در کنار آن، پاسخ‌گویی استدلالی به شبهات و تبیین حکمت احکام نشان می‌دهد هدف قرآن اصلاح چارچوب فکری و تفکیک توده ناآگاه از خواص تحریف‌گر در اهل کتاب است.

۵. تقویت همبستگی اجتماعی در جامعه چندقبیله‌ای مدینه: هشدار نسبت به پیمان‌شکنی و قطع پیوندهای اجتماعی، دعوت به مشترکات توحیدی با محوریت آیین ابراهیم (ع) برای کاهش تعصبات و تشریع قواعد اقتصادی و حقوقی حاصل مخاطب‌شناسی قرآن از جامعه چندقبیله‌ای و چنددینی مدینه است که هدایت دینی را به سامان اجتماعی پیوند می‌زند.

منابع

- * قرآن کریم (ترجمه ناصر مکارم شیرازی).
- ابن هشام، عبدالملک (۱۳۵۵ق). السیره النبویه. قاهره: مطبعة المصطفی‌البابی الحلبي.
- ابن عطیه، عبدالحق بن غالب (۱۴۲۲ق). المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز. چاپ اول. بیروت: دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون.
- بحرانی، هاشم بن سلیمان (۱۴۱۵ق). البرهان فی تفسیر القرآن. چاپ اول. قم: مؤسسه البعثه.
- بورديو، پی‌یر (۱۳۸۱). درباره تلویزیون و سلطه ژورنالیسم. ترجمه ناصر فکوهی. تهران: نشر نی.
- بیضاوی، عبدالله بن عمر (۱۴۱۸ق). أنوار التنزیل و أسرار التأویل. چاپ اول. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- پیشواپی، مهدی. تاریخ اسلام (از جاهلیت تا رحلت پیامبر اسلام صلی الله و علیه). ناشر چاپی: بنیاد معارف اسلامی. ناشر دیجیتالی: مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان.
- جعفریان، رسول (۱۳۸۳). تاریخ سیاسی اسلام، سیره رسول خدا (ص). قم: انتشارات دلیل ما.
- رهر، محمدتقی (۱۳۷۰). پژوهشی در تبلیغ. چاپ اول. تهران: نشر مرکز چاپ سازمان تبلیغات اسلامی.
- زمخشری، جارالله محمود بن عمر (۱۴۰۷ق). الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الاقوال فی وجوه التأویل. مصحح: حسین احمد، مصطفی. بیروت: دارالکتب العربی.
- زورق، محمدحسن (۱۳۹۰). مبانی تبلیغ. تهران: سروش.
- سید محسنی، شهاب (۱۳۸۱). «تبلیغات، مخاطب‌پژوهی و اثربخشی». هنر هشتم. دوره ۲. شماره ۷. صص ۶۵-۷۱.
- شهیدی، سید جعفر (۱۳۹۶). تاریخ تحلیلی اسلام (از آغاز تا نیمه نخست سده چهارم). چاپ نهم. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- صادقی تهرانی، محمد (۱۴۰۶ق). الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه. چاپ دوم. قم: نشر فرهنگ اسلامی.
- صالحی رزوه، نسرین (۱۳۹۵). معنا و ضرورت تبلیغ از دیدگاه پیامبر (ص). تهران: نشر بلاغ.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۰ق). المیزان فی تفسیر القرآن. چاپ دوم. بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. مصححان: فضل الله یزدی طباطبایی و هاشم رسولی. تهران: ناصر خسرو.
- طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲ق). جامع البیان فی تفسیر القرآن. چاپ اول. بیروت: دار المعرفة.
- طوسی، محمد بن حسن (بی‌تا). التبیان فی تفسیر القرآن. مصحح: احمد حبیب عاملی. مقدمه نویسنده: محمد محسن آقابزرگ تهرانی. چاپ اول. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ق). التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب). بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- فیاض، علی اکبر (۱۳۹۴). تاریخ اسلام. چاپ بیستم. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- قرائتی، محسن (۱۳۸۵). قرآن و تبلیغ. چاپ هفتم. تهران: نشر مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن. ناشر دیجیتالی: مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان.
- قرطبی، محمد بن احمد (۱۳۶۴). الجامع لأحكام القرآن. چاپ اول. تهران: ناصر خسرو.

- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ ق). *الکافی*. مصححان: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی. چاپ چهارم. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- محمدی ری شهری، محمد (۱۳۸۵). *تبلیغ بر پایه قرآن، حدیث و تاریخ*. ترجمه علی نصیری. قم: نشر دارالحدیث. ناشر دیجیتالی: مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان.
- معرفت، محمدهادی (۱۳۸۸). *التمهید فی علوم القرآن*. قم: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید.
- مقاتل بن سلیمان (۱۴۲۳ ق). *تفسیر مقاتل بن سلیمان*. چاپ اول. بیروت: دار إحياء التراث.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱). *تفسیر نمونه*. چاپ دهم. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- مولائی نیا همدانی، عزت‌الله (۱۳۷۸). *نسخ در قرآن*. تهران: نشر رایزن.
- مؤدب، سید رضا (۱۳۷۹). *اعجاز قرآن در نظر اهل بیت*. قم: احسن الحدیث.
- واحدی، علی بن احمد (۱۴۱۱ ق). *اسباب نزول القرآن*. تحقیق: کمال بسیونی زغلول. بیروت: دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون.

References

The Holy Qur'an

- Bahrānī, Hāshim ibn Sulaymān. (1415 A.H). Al-Burhān fī Tafsīr al-Qur'an. 1st ed. Qom: Mu'assasat al-Bi'thah.
- Baydāwī, 'Abd Allāh ibn 'Umar. (1418 A.H). Anwār al-Tanzīl wa Asrār al-Tāwīl. 1st ed. Beirut: Dār Ihya' al-Turāth al-'Arabī.
- Bourdieu, Pierre. (1381 SH). Dar-bāreh-ye Televīzyūn va Solteh-ye Zhornālism. Trans: Nāşir Fakūhī. Tehran: Nashr-e Ney.
- Faḥr al-Dīn al-Rāzī, Muḥammad ibn 'Umar. (1420 A.H). Al-Tafsīr al-Kabīr (Mafātīḥ al-Ghayb). Beirut: Dār Ihya' al-Turāth al-'Arabī.
- Fayyād, 'Ali Akbar. (1394 SH). Tārīḥ-e Islām. 20th ed. Tehran: University of Tehran Press.
- Ibn 'Atīyyah, 'Abd al-Ḥaqq ibn Ghālib. (1422 A.H). Al-Muḥarrar al-Wajīz fī Tafsīr al-Kitāb al-'Azīz. 1st ed. Beirut: Dār al-Kutub al-'Ilmiyyah, Manshūrāt Muḥammad 'Ali Baydūn.
- Ibn Hishām, 'Abd al-Malik. (1355 A.H). Al-Sīrah al-Nabawiyyah. Cairo: Maṭba'at al-Muṣṭafā al-Bābī al-Ḥalabī.
- Ja'fariyān, Rasūl. (1383 SH). Tārīḥ-e Siyāsī-ye Islām: Sīreh-ye Rasūl-e Ḥudā (S). Qom: Intishārāt-e Dalīl-e Mā.
- Kulaynī, Muḥammad ibn Ya'qūb. (1407 A.H). Al-Kāfī. Eds. 'Ali Akbar Ghaffārī and Muḥammad Ākhūndī. 4th ed. Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmiyyah.
- Makārim Shīrāzī, Nāşir. (1371 SH). Tafsīr-e Nemūneh. 10th ed. Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmiyyah.
- Ma'rifat, Muḥammad Hādī. (1388 SH). Al-Tamhīd fī 'Ulūm al-Qur'an. Qom: Mu'assasat-e Farhangī-ye Intishārātī-ye al-Tamhīd.
- Mo'addab, Seyyed Reza. (1379 SH). I'jāz-e Qur'an dar Nazar-e Ahl al-Bayt. Qom: Aḥsan al-Ḥadīth Publications.
- Molā'iniyā Hamadānī, 'Izzat Allāh. (1378 SH). Naskh dar Qur'an. Tehran: Nashr-e Rāyzan.
- Muḥammadī Rayshahrī, Muḥammad. (1385 SH). Tablīgh bar Pāyeh-ye Qur'an, Ḥadīth va Tārīkh. Trans: 'Ali Nāşirī. Qom: Nashr-e Dār al-Ḥadīth. Digital publisher: Ghaemiyeh Computer Research Center, Isfahan.
- Muqātil ibn Sulaymān. (1423 A.H). Tafsīr Muqātil ibn Sulaymān. 1st ed. Beirut: Dār Ihya' al-Turāth.
- Pīshvāī, Mehdī. Tārīḥ-e Islām (az Jāhiliyyat tā Riḥlat-e Payāmbār-e Islām Ṣallā Allāh 'alayhi wa-Ālih). Print publisher: Bunyād-e Ma'ārif-e Islāmī. Digital publisher: Digital Publisher: Ghaemiyeh Computer Research Center, Isfahan.
- Qarā'atī, Moḥsen. (1385 SH). Qur'an va Tablīgh. 7th ed. Tehran: Nashr-e Markaz-e Farhangī-ye Dars-hā-ye Qur'an. Digital Publisher: Ghaemiyeh Computer Research Center, Isfahan.
- Qurṭubī, Muḥammad ibn Aḥmad. (1364 SH). Al-Jāmi' li-Aḥkām al-Qur'an. 1st ed. Tehran: Nāşir Khosrow.
- Rahbar, Muḥammad Taqī. (1370 SH). Pazhuhisī dar Tablīgh. 1st ed. Tehran: Nashr-e Markaz-e Chāp-e Sāzimān-e Tablīghāt-e Islāmī.
- Ṣādiqī Tehrānī, Muḥammad. (1406 A.H). Al-Furqān fī Tafsīr al-Qur'an bi-l-Qur'an wa al-Sunnah. 2nd ed. Qom: Nashr-e Farhang-e Islāmī.
- Ṣāliḥī Rozveh, Nasrīn. (1395 SH). Ma'nā va Darūrat-e Tablīgh az Didgāh-e Payāmbār (S). Tehran: Nashr-e Balāgh.
- Seyyed Moḥsenī, Shahāb. (1381 SH). "Tablīghāt, Moḥāṭab-pazhūhī va Atharbakshī." Honar-e Hashtom, vol. 2, no. 7, pp. 65-71.
- Shahīdī, Seyyed Ja'far. (1396 SH). Tārīḥ-e Taḥlīlī-ye Islām (az Āghāz tā Nīmeḥ-ye Nukhuṣt-e

- Saddeh-ye Chahārom). 9th ed. Tehran: Intishārāt-e 'Ilmī va Farhangī.
- Ṭabarī, Muḥammad ibn Jarīr. (1412 A.H). Jāmi' al-Bayān fī Tafsīr al-Qur'an. 1st ed. Beirut: Dār al-Ma'rifah.
- Ṭabarsī, Faḍl ibn Ḥasan. (1372 SH). Majma' al-Bayān fī Tafsīr al-Qur'an. Eds. Faḍl Allāh Yazdī Ṭabāṭabā'ī and Hāshim Rasūlī. Tehran: Nāṣir Khosrow.
- Ṭabāṭabā'ī, Muḥammad Ḥusayn. (1390 A.H). Al-Mīzān fī Tafsīr al-Qur'an. 2nd ed. Beirut: Mu'assasat al-A'lamī li-l-Maṭbū'āt.
- Ṭūsī, Muḥammad ibn Ḥasan. (n.d.). Al-Tibyān fī Tafsīr al-Qur'an. Ed. Aḥmad Ḥabīb al-'Āmilī. Introd. Muḥammad Muḥsin Āqā Buzurg Tehrānī. 1st ed. Beirut: Dār Iḥyā' al-Turāth al-'Arabī.
- Wāḥidī, 'Alī ibn Aḥmad. (1411 A.H). Asbāb Nuzūl al-Qur'an. Ed. Kamāl Basyūnī Zughlūl. Beirut: Dār al-Kutub al-'Ilmiyyah, Manshūrāt Muḥammad 'Alī Bayḍūn.
- Zamaḥsharī, Jār Allāh Maḥmūd ibn 'Umar. (1407 A.H). Al-Kashshāf 'an Ḥaqā'iq Ghawāmiḍ al-Tanzīl wa 'Uyūn al-Aqāwīl fī Wujūh al-Tāwīl. Ed. Ḥoseyn Aḥmad Muṣṭafā. Beirut: Dār al-Kitāb al-'Arabī.
- Zūraq, Muḥammad Ḥasan. (1390 SH). Mabānī-ye Tablīgh. Tehran: Soroush Publications.

| Extended Abstract |

The Impact of Audience Analysis on Methods of Religious Propagation in the Medinan Verses: A Case Study of the First Juz' of the Holy Qur'an

Marziyeh Tavakoli , Mohammad Jamalleddin Khoshkhazeh

Research Objective

The objective of this study is to demonstrate that the Qur'an's methods of religious propagation in the Medinan verses are responsive to the diverse characteristics of its audiences. The central issue of the research is that the effectiveness of religious propagation depends not only on the accuracy and richness of the message but also on its appropriateness to the audience's level of understanding, doctrinal background, psychological circumstances, social structure, and cultural position. Since Medina was a diverse, multi-tribal, and multi-religious society in which groups such as believers, polytheists, hypocrites, and the People of the Book were present, the study seeks to demonstrate how the Qur'an employed different modes of expression and methods of religious propagation in accordance with this diversity of audiences.

Research Method

The study employs a descriptive-analytical method, and its scope encompasses the Medinan verses of the first Juz' of the Holy Qur'an, particularly those of Sūrah al-Baqarah (Qur'an 2). The research data were collected from Qur'anic verses, reports concerning the occasions of revelation (Asbāb al-Nuzūl), historical accounts pertaining to Medinan society, and exegetical and historical sources. In the analytical process, the verses were categorized according to the type of audience and the socio-religious context of their revelation, after which the relationship between the characteristics of each group and the corresponding method of religious propagation was examined. The main audience categories include believers and new Muslims, polytheists and deniers, hypocrites, and the People of the Book, as well as the broader social and economic relations within Medinan society.

Findings

The findings demonstrate that the Qur'an adopts an appropriate strategy in dealing with each audience group. In addressing believers and new Muslims, educational, motivational, and legislative methods predominate, enabling faith to be translated into devotional, ethical, and social conduct. In confronting polytheists, an argumentative and disputational approach, particularly through the Qur'anic challenge (Taḥaddī) and responses to doubts, providing a basis for rational persuasion and the completion of the proof. Regarding the hypocrites, the Qur'an relies more on indirect exposure and the delineation of the behavioral and psychological characteristics of hypocrisy, enabling the community to develop the ability to recognize it and attain social awareness. In dialogue with the People of the Book, historical, intra-religious, argumentative, and reform-oriented methods are employed, such that shared monotheistic principles are emphasized while distortion, concealment of the truth, and inconsistency between speech and con-

duct are criticized. Furthermore, the Medinan verses play an effective role in regulating the social, economic, and legal relations of the nascent Medinan society.

Conclusion

The findings of the study indicate that the diversity of methods of religious propagation in the Medinan verses is not accidental; rather, it arises from the Qur'an's precise audience-oriented logic. By recognizing the different doctrinal, social, and cultural levels of its audiences, the Qur'an selects language and methods appropriate to each group. Accordingly, the Qur'an's model of religious propagation in the first Juz' constitutes an intelligent, dynamic, and practical model in which religious guidance is closely integrated with social reform and collective organization.

Keywords: Medinan verses; Audience analysis; Religious propagation; Methods of religious propagation; Sociology of Medina; First Juz' of the Qur'an